

نویسنده : ویچنزوسی یستو

مترجم : کامران سپهری

اندازه گیری اقتصاد پنهان (۱)

الف - به مبارزه طلبیدن آمارشناسان :

پس از یک دوران شور و اشتیاق ناشی از موفقیت در زمینه تخمین میزان فعالیت‌های پنهان اقتصاد، اکنون بنظر بسیاری از دانشگاہیان، اقتصاد پنهان دوباره بصورت وجودی اسرارآمیز و غالب بر هر معیار اندازه گیری درآمد است. بحران اقتصادی دهه ۷۰ بیش از هر چیز به اسرارآمیز جلوه کردن اقتصاد پنهان کمک نموده است. بابررسی معیارهای اجتماعی، ویا آنچه رسانه‌های گروهی تصویری نمودند، در این دوران تفاوت زیادی در سطح و جهت روند های تخمین زده شده اقتصاد آشکار (رسمی) توسط آمارشناسان، و علائم تعادل (یارشد) کشورهای مرقه و پیشرفته غربی احساس می‌شود. از سال ۱۹۶۶، اقتصاد دانان، جامعه شناسان و روزنامه نویسان نخست بطور تلویحی و

۱ - این مقاله که توسط Vincenzo Siesto از موسسه مرکزی آمار ایتالیا در سال ۱۹۸۹ در چهل و هفتمین کنفرانس بین المللی آمار (ISI) ارائه گردیده، علاوه بر روشهای کلی محاسبه اقتصاد پنهان، اشاره‌ای به نحوه محاسبه آن در ایتالیا نیز دارد.

سپس بصورت علنی شروع به سخن گفتن از اقتصاد پنهان در کنار اقتصاد آشکار نمودند و چنین اظهار داشتند که گرچه این اقتصاد از نظر روند های تخمین زده شده گمراه کننده است ولی در عمل بسیار کارآمد می باشد .

آمارشناسان بواسطه اختلاف در روش بررسی و مفاهیم عنوان شده در مطبوعات و حتی مطالب نامناسبی که در نا نگاهیان در این زمینه از خود ابداع می کنند ، عملاً نمی توانند کاری انجام دهند .

آنطور که در متون موجود آمده است ، سابقه و قدمت اقتصاد پنهان مشخص نمی باشد ولی ظاهراً همیشه وجود داشته ، اگرچه در دهه های اخیر بیشتر توسعه یافته است . این نوع اقتصاد را می توان در بازار کار غیرقانونی ، ساختمانهای غیرمجاز ، خدماتی که برای همسایگان انجام می شود ، مبادلات غیرقانونی ، تولیدات خانگی ، کسب و کارهای کوچکی که برای فرار از مالیات و هزینه بیمه های اجتماعی بطور پنهانی فعالیت می کنند و غیره ، مشاهده نمود .

ب - تعریف اقتصاد پنهان (۱) :

بعید است کسانی که در زمینه اقتصاد پنهان مطالعه و بررسی می کنند ، از به کار بردن مفاهیم شخصی مورد نظر خود (از قبیل پنهان ، زیرزمینی ، غیررسمی و ...) دوری جویند . واژه ها و مفاهیم مختلف در متون تحقیقاتی در نا نگاهیان ، مفاهیم خاص خود را دارند . در این مقاله سعی می شود نظرات عمومی تر آمارشناسان اقتصادی تا حد امکان در ارتباط بیایکدیگر تشریح شود . حتی جامعترین تعاریف ارائه شده در روشهای استاندارد سیستم حسابداری ملی (۲) و روش حسابداری

۱- Hidden Economy

۲- A System of National Accounts (SNA)

کشورهای اروپایی (۱) پیچیده و غامض است، بخصوص منبع دوم مفهومی گنگ و قرارداد ای از اقتصاد بدست می دهد و بالاینحال توسط بسیاری از دانشگاہیان بعنوان پایه و اساس گرفته شده است . برای ادامه بحث ، می خواهم دو سوال مطرح کنم :

(۱) در مفهوم کلی و جامع ، مجموع فعالیتهای انسانی که اقتصاد را می سازد چیست ؟

(۲) مرز اقتصاد آشکار و اقتصاد پنهان کجاست ؟

بنابینظر الک وکازمیسر (۲) در تعریف اقتصاد ، مفهوم " تولید " ، نقشی اساسی دارد . بنا بر تعریف " تولید " ، مفاهیم مختلف مانند درآمد ، مصرف ، پس انداز و تشکیل سرمایه نیز در چارچوب آن قرار می گیرند ، زیرا هر یک از آنها جنبه ای متفاوت از یک جریان را بیان می دارند و بنابراین ، برای تعریف مفهوم اقتصاد ، لازم است چارچوب وحدت تولید ، مشخص شود . طبق تعریفی که در د وروش فوق الذکر آمده است ، کلیه فعالیتهایی که به پاداش عوامل تولید ختم شود (شامل خدمات دولتی و انواع سازمانهای اجتماعی) ، در چارچوب تولید به حساب آمده و اقتصاد را بوجود می آورند . منابع فوق ، فعالیتهای معدود دیگری را هم که منجر به پاداش مستقیم نمی شود (نظیر تشکیل سرمایه شخصی ، تولید کالاهای اولیه و مواد غذایی برای مصرف شخصی و استفاده از خانه شخصی) نیز جزو تولید قلمداد می کنند . چیزهایی که خارج از این تعریف قرار می گیرند ، عبارتند از : ۱ - خدمات خانگی (آشپزی ، نظافت ، بچه داری ، تعمیرات منزل و غیره) ، ۲ - کالاهای خدمات غیر اولیه (۳) تولید شده توسط تولیدکنندگان غیر حرفه ای که در کشورهای جهان سوم متبداً اول بوده ولی باتوجه به خودآموزهای مختلف در کشورهای صنعتی هم در حال گسترش است (از قبیل تعمیرات خانه ، اتومبیل و

۱ - Le Systeme European de Comptes Economiques Integres (SEC)

۲ - Eck and Kazemier ۳ - Non-primary goods and services

لوازم منزل) ۲۰ - کارهای داوطلبانه بدون پاداش مادی، که براساس احساس دلسوزی و همدردی با هم‌نوعان توسط اعضاء موسسات غیرانتفاعی ارائه می شود. این فعالیتها جزئی از اقتصاد غیررسمی را تشکیل می دهند.

جهت تکمیل تصویری که روشهای مذکور از اقتصاد بدست می دهند، باید در حسابهای ملی اشاره ای به تولیداتی نمود که از کسب و کار غیرقانونی حاصل می شود. این روشها تمایزی میان انواع نحوه تولید غیرمجاز (مثلا بعلت نداشتن جوازکسب، ایجاد آلودگی هوا، بکارگیری مهاجرین بدون اجازه کار و غیره) که بواسطه قوانین مالی یا مقررات تامین اجتماعی، غیرمجاز شناخته شده اند، قائل نیستند. از سوی دیگر، اکثر فعالیتهای خلاف و غیرقانونی اقتصادی، به دلدلیل فنی جایی در حسابهای ملی ندارند. نخستین دلیل عبارت است از ابهام و دشواری در تشخیص میزان انتقالات (انواع دزدی و جعل) و تشخیص رضایت طرفین در مورد انتقالات (از قبیل قمار، قاچاق، توزیع مواد افیونی و غیره). دومین دلیل عبارت است از فقدان ابزارهای آماری برای اندازه گیری این نوع فعالیتها.

مفهوم تولید که باعث ظهور تعریف اقتصاد در روشهای استاندارد حسابهای ملی (SNA) و SEC) گردیده است گاه بوسیله نظریه های اقتصادی غلو و گاه اندک گرفته شده است. روش هیل (۱) در زمینه تعیین حد و فعالیتهای مولد و غیرمولد، بسیار جالب است. جهت تجزیه و تحلیل کاربرد زمان، هیل می گوید: تمام فعالیتهایی که شخص برای خود انجام می دهد، "فعالیت" شخصی است. خواب و تفریحات و استراحت از نظر مفهوم، غیراقتصادی هستند. به جای تفریح و استراحت،

شخص می تواند وقت آزاد خود را صرف انجام خدمتی برای خود کند یا د دیگری را برای انجام آن اجیر نماید . به قول آقای هیل ، این نوع کار " مجزا " از بازار واقعی کار است . اینگونه فعالیتها که خارج از محدوده مشخص شده در روشهای مذکور است ، در طرح پیشنهادی هیل جزو اقتصاد محسوب می شود (از جمله خدمات خانم خانه دپرورش کودکان ، آشپزی ، نظافت ، تعمیرات و همچنین تولید مواد ضروری مصرفی که از ویژگیهای اقتصاد جهان سوم است) . در مدل هیل نکات مبهمی وجود دارد - بطورمثال در مورد بخشی از وقت آزاد مردم که نه بصورت کارمند اول صرف می شود و نه به استراحت می گذرد (مانند زمان خدمت سربازی ، دوران زندان ، بستری بودن و غیره) سخن گفته نشده است و از سوی دیگر ، مرز میان وقت آزاد و کارموند در برخی موارد (مانند کارهایی که از طریق کتابهای خودآموز آموخته و انجام می شود که هم جنبه تولید و هم جنبه تفریح دارد ، همینطور انجام آشپزی همراه باگوش کردن به رادیو یا دیدن فیلم) کاملاً مشخص نشده است .

در همین مقوله فکری ، نظریه دیگری وجود دارد که توسط هاریلیشین (۱) بعنوان " معیار شخص ثالث " (۲) ارائه شده که امروزه بیشتر مورد قبول است . طبق این روش که دامنه اش وسیعتر از روشهای استاندارد حسابهای ملی است ، هر فعالیتی که باعث ایجاد " منفعت " شود و قابل انجام توسط اشخاص دیگری هم باشد ، جزو اقتصاد محسوب می شود . در چارچوب این نظریه می توان میان اقتصاد مورد نظر در روشهای فوق الذکر و فعالیتها خلاف و غیرقانونی و اقتصاد غیررسمی ، تمایز گذاشت . اقتصاد مورد نظر در روشهای استاندارد حسابهای ملی شامل اقتصاد رسمی می شود که " مشخص ، قابل اندازه گیری و تابع مقررات دولتی بوده و مالیات بر درآمد و قرار داد کار رسمی منعقد نماید و یا

1- Hawrylyshyn

2- Third-Party criterion

شامل اقتصاد قانونی بود و ولی با استفاده از بازارکار غیرقانونی عمل کند " . من شخصاً مايلم اقتصاد تعریف شده در روشهای مذکور را به دو بخش منظم و غیرمنظم تقسیم نمایم زیرا مانند پیشروان این طرز تفکر، من نیز معتقد هستم که اگر یکی از مقررات هم اجرا نشود (مثلاً استفاده از بازارکار غیرقانونی) می توان آن کار را در مجموعه فعالیت های اقتصاد ی آورد . خلاصه این مفهوم در جداول ذیل آمده است . این مقاله براساس همین جدول شکل گرفته است .

جدول شماره ۱

تفکیک اقتصاد بر حسب کالاهای تولیدی و چگونگی رعایت مقررات

قلمرو سنتی تولیدات		چگونگی رعایت مقررات
خارج از محدوده SNA/SEC	در محدوده SNA/SEC	
غیر رسمی	آشکار	طبق مقررات
جزائی	پنهان	خارج از مقررات

ج - محتوای اقتصاد پنهان :

در چارچوب مشخص شده برای تولید در روشهای استاندارد حسابهای ملی اکثر فعالیتها بطور آشکار انجام می شود . در این چارچوب ، تنها اقتصاد آشکار است که در محدوده مقررات رسمی ، تولید ، مبادله ، توزیع و پس انداز سرمایه گذاری می کند . اخذ آمار و ارقام این اقتصاد نیز روشن و واضح است زیرا بران این نوع اقتصاد ها در مقابل مقامات دولتی چیزی را پنهان نمی نمایند .

فعالیت‌های اقتصادی به مقامات مسئول آمار، گزارش می‌شود. خطای احتمالی در این آمارها ناشی از تمایل به حفظ اصل محرمانه بودن اطلاعات در مقابل برخی از مقامات است ولی بطور کلی، ارقام مربوط به این بخش، تمویز نسبتاً خوبی از فعالیت اقتصادی آشکارده است می‌دهد. در شرایط و کشورهای که رعایت مقررات از سوی صاحب کاران اقتصادی، متد اول است، ارقام تولید ناخالص داخلی (۱) می‌تواند همان ارقام مربوط به اخذ مالیات و با آمار مربوط به بیمه اجتماعی باشد و فقط تعدد پله‌های در مورد تعاریف صورت گیرد. شرکت‌های بزرگ خصوصی، ادارات و موسسات دولتی در قلمرو جریان تولیدات و درآمد این اقتصاد بوده و انگیزه چندانی برای فرار از مالیات ندارند. مورد اقتصاد پنهان، کاملاً متفاوت از این است. کسانی که در اقتصاد پنهان فعالیت دارند سعی می‌کنند حد اکثر منافع اقتصادی را از طریق کاهش هزینه مالیات و بیمه‌های اجتماعی، بدست آورند و یا ساعت کار بیشتری را برای کارکنان مقرر دارند و بطور کلی مرتکب چندین عمل خلاف مقررات می‌شوند. با توجه به مطالعات موردی بین‌المللی، اکثر فعالیت‌های اقتصاد پنهان در چارچوب موسسات کوچک، کسب و کارهای فردی (بدون کارمند و کارگر) می‌باشد که مشغول تولید کالاها و خدمات (بخصوص تعمیرات) هستند و کارکنان مزد بگیر این بخش نیز در فعالیت‌های اشتغال دارند که مقررات کشور اجازه انجام کارهای غیرمنظم در آن فعالیت‌ها را داده است. ریشه این اعمال در تمایل مردم به افزایش سود، خواه از طریق افزایش درآمد، و خواه از طریق کاهش هزینه‌ها است.

اگر جنبه تقاضا را در نظر آوریم، اقتصاد پنهان از اینجاسرچشمه می‌گیرد که کمترین (مصرف کننده)

خواهان خرید به پائین ترین قیمت و مناسبترین وقت و محل است . اگر تعمیر شیرآب بوسیله کارگر ساختمان ، بدون پرداخت مالیات و ارزش افزوده روقتی که برای مشتری مناسب است و او در خانه است ، صورت گیرد ، چراویی یک لوله کش رسمی برود ؟ ولی در مواردی که خرید کالاهایی تحت کنترول شدید دولت است (مانند معامله اتومبیل) ، مشتری حق انتخاب چندانی ندارد . در طرف عرضه ، فعالیتهای غیرقانونی موسسات که در حسابداری آنها منظور نمی شود ، بیشتر برای موسسات کوچک که کمتر تحت توجه حسابرسی هستند ، امکان پذیر است . از جمله این کارها ، فعالیت مرد مدرسغل دوم (یا شب کارها) (۱) است که شاید بازده آن کمتر از بازده کار تمام وقت نباشد . فعالیتهای مدرن که مستلزم کاربرد سرمایه هنگفت بود و ضرورتا باید در تمام بیست و چهار ساعت مورد استفاده قرار گیرد ، مستثنی بود و جزو شب کاری محسوب نمی شود .

نتایج مطالعه بین المللی که در سال ۱۹۸۲ توسط اسکولکا (۲) انجام گردید نشان می دهد ، بخشهایی از اقتصاد که بیشتر تحت تاثیر اقتصاد پنهان هستند ، عبارتند از : کشاورزی ، تولید سبزیجات ، محصولات غذایی ، تولید کالاهای چوبی و مبلمان ، کارهای ساختمانی ، تعمیرات اتومبیل و دیگر کالاهای بادوام ، خرید و فروشی ، اجاره اتاق و فروش غذا ، انجام خدمات خصوصی برای افراد خانوار ، باغبانی ، خدمات زیبایی و خدمات تخصصی . در این فعالیتهای نه فقط شب کاریها مشخص می شود ، بلکه اشتغالات پنهانی هم دیده می شود . جدول شماره ۲ طبقه بندی متداولترین فعالیتهای از این نوع را نشان می دهد .

۱ - Moonlighters

۲ - Skolka

جدول شماره ۲

محتوای اقتصاد پنهان

نوع	مثال
<p>۱ - فعالیتهای شناخته‌نشده‌ای که در سیستم حسابداری موسسه وارد نشده و علت آن نداشتن جواز و یا فرار از مالیات و هزینه بیمه اجتماعی است .</p>	<p>تولید کالا و خدمت از طریق اشتغال شخصی و بدون کارگر (باموسسات کوچک) - خدمات تعمیراتی منزل - فروش توسط دوره‌گردها - فعالیتهای ثبت نشده و نگاههای معاملات املاک - خدمات ثبت نشده متخصصین .</p>
<p>۲ - اشتغال شخصی بعد از ساعت کار رسمی .</p>	<p>شب‌کاریها : در کشاورزی، تعمیر منزل، تجارت و خرید و فروشی، حسابداری، کارهای تخصصی مشارکتی - تولید (صنایع دستی خانگی) - خدمات مشورتی، مقاله‌نویسی و امسور روزنامه نگاری .</p>
<p>۳ - فعالیتهای ابراز شده توسط کارکنانی که کار آنها شناخته شده و رسمی نیست .</p>	<p>خدمت‌های منزل و پرستاری - کارآموزان بدون مجوز - کسانی که بورس دانشگاهی دارند - مهاجران غیرقانونی و شب‌کارها .</p>
<p>۴ - مصارف غیرقانونی سرمایه .</p>	<p>اجاره در اجاره اتاقهای منزل اجباری، رباخواری</p>

با آنکه اقتصاد پنهان و فرار از مالیات با هم تابیده شده‌اند، نباید آنها را با هم مخلوط نمود

زیرا برخی از فعالیتهای اقتصادی بخاطر فرار از مالیات، پنهان نشده‌اند و در واقع، فعالیت‌های

زیادی هست که بخاطر فرار از پرداخت بدهی اجرائی (نظیر استخدا ام‌مهاجران غیرمجاز)، پنهان

شده اند. فرار از مالیات حتی در اقتصاد آشکار نیز ممکن است صورت گیرد، چه از طریق شناخت راههای ممکن در قانون مالیاتی و چه بواسطه عدم آشنائی با قانون و پیروی از رفتار متداول در برخی از کشورها.

طبق نظر الگ و کازمیر، گذشته از معیار فرار از مالیات، می توان هر فعالیتی را که یکی از مقررات راعایت نکرده باشد، تابع اقتصاد پنهان است. بدون هیچ گونه تردیدی، اگر درجائی ارائه آمار به مقامات اجباری باشد مردم سعی می کنند وارد اقتصاد پنهان شوند. با توجه به اینکه مقامات آمار مرکزی کشورها ادوات مالیاتی ارتباطی ندارند و غالباً اصل محرمانه بودن آمار راعایت می شود، این مقامات سعی در پنهان این مطلب دارند که اقتصاد پنهان، از نظر آنها چندان پنهان نیست. ولی احتمال کم بودن مقادیر تخمینی تولید ناخالص داخلی و تفاوت آن با مقدار واقعی وجود دارد. بدین ترتیب در واقع اقتصاد پنهان بخش باقیمانده یا مابه التفاوت است.

سفسطه در مورد روشهای موجود باعث ایجاد توهم در میزان کاهش ارزیابی صحیح تولید ناخالص داخلی ناشی از اقتصاد پنهان می باشد. بلیدز (۱)، در سال ۱۹۸۲ اظهار داشت، پنهان کاری جهت فرار از مالیات، دلیل بر حذف اقلام از تولید ناخالص داخلی نمی شود، بخصوص در مواردی که آمارشناسان در تخمین های خود بجای درآمد و هزینه، از جریان کالاها و خدمات استفاده می کنند. برخی از کشورها بقدری از پاسخهای کمتر از واقع درآمد ها آگاهند که بطور خودکار، این کم گوئی ها را تعدیل می کنند. بلیدز در همان سال، میزان این تصحیح را برای تولید ناخالص داخلی برخی از کشورهای عضو OECD (۲) معادل ۲ درصد گزارش نمود. اگر در کشوری تولید ناخالص داخلی بخشی از

۱- Blades

۲- Organization For Economic Cooperation and Development

اقتصاد را در برمی گیرد، تعدیلات کلی انجام شده به معنای منظور نمودن تمام اقتصاد پنهان نیست *

نتیجه آنکه، اقتصاد پنهان شامل فعالیت‌هایی می‌شود (ولی نه فعالیت‌های جزائی) که بمنظور فرار از مقررات اقتصادی - اجتماعی موجود صورت می‌گیرد بطوریکه مورد قبول و تحمل سیستم اقتصادی ذیربط نیز باشد *

د - روش‌های ارزیابی اقتصاد پنهان:

۱ - کلیات:

روش‌هایی برای ارزیابی اقتصاد پنهان وجود دارد که بطور کلی، می‌توان آنها را به سه گروه تقسیم نمود: روش‌های مستقیم، غیرمستقیم و روش‌های ترکیبی *

روش‌های مستقیم رومی‌توان از طرق مختلف از جمله بررسی خانوارها، بررسی مشارکت فعالان، یا غیر فعالان افراد و موسسات در اقتصاد پنهان و بررسی نحوه گذران اوقات روزانه انجام داد. اگر کارمیر معنقد ند که روش مستقیم باعث می‌شود اطلاعات مستقیمی در مورد خود واحد‌هایی که یادگیر اقتصاد پنهان هستند و یا آنرا تغذیه می‌کنند، بدست آوریم. این اطلاعات علاوه بر کمک به تعریف بهتر موضوع، به ایجاد ارتباط با عوامل دیگر نیز کمک می‌نماید. محدودیت روش‌های مستقیم از یک سو بواسطه کتمان منابع اطلاع (بخصوص اگر زیاد درگیر اقتصاد پنهان باشند) و از سوی دیگر، ناشی از مساله فنی تعمیم نتایج حاصله که اغلب از نمونه‌هایی خاص و شرایطی خاص گرفته شده و امکان تعمیم را به ما نمی‌دهد، است *

روش‌های غیرمستقیم شامل روش‌های تبعیضی در مورد منابع مختلف، روش‌های مختلف پولی (۱)،

مدل متغیرمشاهده نشده (۱)، تجزیه و تحلیل حساسیت پاسخگویان نسبت به درآمدهای پنهانی و تجزیه و تحلیل مشارکت نیروی کار در جمعیت فعال می باشد. در این نوع تحقیقات، محقق، مدلی بعنوان نماینده اقتصاد واقعی، مشخص می کند و اطلاعات مربوط به اقتصاد پنهان را از طریق اطلاعات غیرمستقیم، بدست می آورد. نتایج این روش، بسیار کلی بوده و اجازه نمی دهد نحوه عملکرد اقتصاد پنهان، آشکار گردد، محدودیت روشهای غیرمستقیم بواسطه کمبود مدلهای تئوری، ضعف کیفیت متغیرهای مورد استفاده و مشکلات ناشی از ترکیب متغیرهای کمی می باشد. علاوه، نتایج حاصله از روشهای غیرمستقیم، از قلمرو اقتصاد پنهان (چه بطرف اقتصاد جزائی و چه بطرف اقتصاد آشکار) تجاوز می نماید. بطور خلاصه باید گفت که روش غیرمستقیم، نتایجی کلی بدست می دهد.

روش ترکیبی در واقع ترکیبی از روشهای مستقیم و غیرمستقیم، همچنین روشهای غیرتصادفی اعمال شده توسط متخصصین می باشد. خطر استفاده از روشهای ترکیبی در این است که احتمال انعام اقتصاد پنهان رانمی پوشاند. در این روش، چون هر بخش اقتصاد پنهان به روش خاص و شاید توسط افراد متفاوتی ارزیابی می شود، امکان احتساب مضاعف و همچنین از قلم افتادگی و امکان تجمع انواع خطا نیز وجود دارد.

۲ - بررسی نمونه ای فعالیتهای پنهان :

در کشورهای صنعتی مثالهای بسیاری از بررسی نمونه ای فعالیتهای پنهان، وجود دارد. طرح کلی بررسی باین صورت است که یک نمونه نماینده جامعه مورد بررسی انتخاب شده و دلایل و میزان منافع حاصل از عملکرد در اقتصاد پنهان، پرسیده

می شود. برخی از این نوع بررسیها، اطلاعات لازم را از خریدارانی که از اقتصاد پنهان خرید می کنند، اخذ می کنند. این نوع بررسیها موفقیت آمیز است زیرا خریداران مسئول کارهای پنهانی نبوده و خود را در خطرندیده و اطلاعات دقیقتری ارائه می دهند.

بهترین مثال از بررسی مستقیم عبارت است از بررسی شی که در سال ۱۹۸۳ توسط مرکز تحقیقات دانشگاه میشیگان انجام شد. بررسی مذکور که در سطح ملی انجام شد، محدود به خریداران کالاها و خدمات از اقتصاد پنهان بود. پرسشنامه برای دوره ای سه ماهه در سال ۱۹۸۱ در چارچوب بررسی ماهانه عادات مصرفی تهیه و با ۷۰۰ خانوار نمونه، مصاحبه گردید. خانوارها بر اساس چهار رقم آخر شماره تلفن یک کد چینه بندی منطقه ای، بطور تصادفی انتخاب شدند. بررسی فقط شامل خریدارانی می شد که از فروشندگان غیرعادی (یعنی کسانی که بیش از یک مورد عمل خلاف قانون داشتند، یا فاقد جواز بودند، یا سهم تامین اجتماعی را پرداخت ننموده بودند) خرید کرده بودند. این بررسی در مورد خرید هائی که موسسات یا افراد به اقتضای حرفه خود از این فروشندگان غیرعادی نموده بودند، اطلاعاتی بدست نداد.

تخمین زده شد که خرید کالاها و خدمات خانوارهای آمریکائی از عرضه کنندگان غیرعادی (پنهانی) معادل ۱/۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور بوده است. ترکیب زنجیر خرید خانوارها از این منابع پنهانی چنین بود: حدود ۳۰ درصد مربوط به تعمیرات منزل، بیش از ۲۰ درصد مواد غذایی، بیش از ۲۰ درصد خدمات خانگی و بچه داری و ۷ درصد مربوط به تعمیرات و بیمه. در مقابل این بررسی که جنبه بازاری اقتصاد پنهان را از دیدگاه تقاضا مورد مطالعه قرار داد، در برخی کشورهای دیگر بررسیهایی در مورد بازار سیاه کار و با بطور کلی، بازار سیاه اقتصاد پنهان انجام شده که جنبه عرضه را مورد توجه قرار داده است. طبق محاسبات انجام شده، سهم کار غیر رسمی

در سوئد برابر ۱ درصد و در نروژ حد و ۳ درصد تولید ناخالص داخلی و در هلند معادل ۱ درصد درآمد ملی بوده است .

در زمینه اشتغال در بازاریابان کار، روشن است که پاسخگویانی که مستقل کاری کنند راحت تریاسخ می دهند (آرایشگرها، لوله کش ها، نقاشهای ساختمان، مکانیکهای اتومبیل و پرستارهای بچه)، ولی همکاری کسانی که برای موبات وابسته به اقتصاد پنهان کاری کنند، محتاطانه تر است. کسانی که بطور رسمی استخدام شده ولی اضافه کاری کنند و صاحب کار، این اضافه کار را گزارش نمی کند، یا کسانی که در منزل یاد رکارگاه اضافه کاری کنند و قرارداد ادشان ذکر نشده، به احتمال زیاد عمل خلاف صاحب کار را که به آنها کار داده است، گنجان می نمایند. جهت مقابله با این گنجان، هلند یهاد بررسی خود از شش روش مختلف استفاده نمودند. نتایج بررسی نشان داد که نرخ مشارکت در مشاغل بازاریابان کار معادل ۱۲ درصد کل مشاغل افراد ۱۶ ساله به بالا است (حد و ۱/۲ میلیون شغل که معادل ۱۰۰ هزار واحد کار تمام وقت بود) و سهم آن در درآمد ملی معادل ۱ درصد بود. نوع مشاغل حاصل از این بررسی بیش از نتایج حاصل از بررسی دانشگاه میشیگان بود (از قبیل تعمیرات، خدمات خانگی، داد و ستد تجاری، خدمات عمومی، حسابداری، ماشین نویسی، ترسیم و بطور کلی کارهای اداری).

یکی از موسسات آماری ایتالیا نیز در چند مورد که کار غیر رسمی زیاد است (تعمیرات منزل و اجاره اتاق و فروش غذا)، اقدام به انجام يك بررسی نمود. در مورد خدمات تعمیراتی، سوال شده بود که آیا تعمیرات توسط واحد های بامجاز، بدون مجوز، و یا خود اعضا خانوار صورت گرفته است. در مورد اتاق و غذای خارج از منزل نیز در چارچوب بررسی بودجه خانوار، سوالات مشابهی مطرح شد و در مقایسه با سایر منابع، آمار مربوط به فعالیت های غیر رسمی بدست آمد.

۳ - روش حسابرسی نمونه ای اظهارنامه های مالیاتی :

از این روش در کشورهای فرانسه،

سوئد و آمریکا استفاده می شود. این روش به ما اجازه می دهد به آماری از اقتصاد پنهان دست بیابیم که از آمار حاصل از ارائه آمارهای اختیاری بیشتر است. در فرانسه این تفاوت تا ۳ درصد رسیده است تا ۵ درصد تولید داخلی داخلی است. در آمریکا میزان مزد و حقوق گزارش شده توسط موسسات مختلف و بانکها و آنچه از طریق حسابرسی بدست آمده، مقایسه می شود و میزان فرار از مالیات مشخص می گردد. همچنین مقایسه نمونه های بررسی نیروی کار و اظهارنامه های مالیاتی و صندوق های ریستهای تامین اجتماعی مشخص می کند که چه کسانی می بایست اظهارنامه تنظیم کنند و نکرده اند. بطور مثال با همین روش، کارسون و پارکر (۱) میزان فرار از مالیات در سال ۱۹۷۷ را معادل ۱۲ درصد ارزیابی نموده اند.

۴ - بررسی نحوه استفاده از وقت (۲) :

استفاده از بررسی نحوه استفاده از وقت چه در

اقتصاد پنهان وجه در اقتصاد آشکار، روبه افزایش است و نورامیدی است بسبب احتساب میزان فعالتهای اقتصاد غیررسمی. روشهای مختلفی برای جمع آوری اطلاعات در مورد نحوه صرف وقت و میزان کارکرد آنها که باعث افزایش درآمدشان است، بعمل آمده است. در اینجا من به یک بررسی مقدماتی که در فترامار هلند برای تخمین کارنامه منظم صورت داده است اشاره می کنم.

این دفتر از سال ۱۹۷۵ اقدام به بررسی منظم نحوه صرف وقت مردم نمود. بررسی باین ترتیب

بود که به تعدادی افراد نمونه تصادفی دفتر چه ای داده می شد تا تمام کارهای روزهای مختلف هفته را

۱ - Carson and Parker

۲ - Time use survey

د رآن بنویسند . د راین نوع بررسی ، برخلاف بررسی فعالیت‌های غیرعادی ، کلیه فعالیت‌ها ثبت می شود . د راین بررسی ، علاوه برتنظیم د فتری به سبک پاسخگو ، پرسشنامه ای نیزوجود د ااست که د رآن ، میزان وقت صرف شد ، برای انجام فعالیت‌های خاصی که نام برد ه شده بود ، برای بیلک مدت معین ، سوال شده بود . خلاصه نتایج این بررسی نشان می د ااد که مرد مچقدر درگیراقتصاد پنهان وغیررسمی هستند .

۵ - روش تفاوت آماری (۱) :

عمده ترین روش غیرمستقیم عبارت است از تخمین مقسدار تفاوت میان ارقام د رآمد ملی که از طریق هزینه (که قابل اطمینان تر است) بدست آمده با ارقام د رآمد ملی که از طریق تولید باتوزیع محاسبه شده است . این اختلاف د رحد ۱ الی ۶ د رصداست ، شق د یگر این روش عبارتست از محاسبه اختلاف د رآمد کل که از بررسی بودجه خانوار بدست آمد ه و آنچه که از اظهارنامه های مالیاتی حاصل می شود . برای ایتالیا ، من اختلاف تولید ناخالص داخلی و آمارهای مبتنی بر مالیات را حساب کرده ام و نشان د ااد ه امکه اهمیت نسبی اقتصاد پنهان در حسابهای ملی معادل ۲۰ تا ۲۵ د رصداست .

۶ - روشهای پولی :

روش مبتنی بر محاسبه نسبت پول نقد و پول کاغذی ، به کل نقد بنگی قدیمی ترین روش تخمین اقتصاد پنهان است (با این فرض که کسانی که د رگیراقتصاد پنهان هستند ، برای د ااد و ستد ، پول نقد رابه چک ترجیح می د هند) . اگر از سالها قبل ، یعنی زمانی که اقتصاد پنهان وجود نداشت ، محاسبه این نسبت را شروع کنیم ، پیدایش هراختلافی د راین نسبت ، نشان د هند ه تغییر حجم اقتصاد پنهان است . مقدار واقعی آن برابرحاصل ضرب میزان افزایش

غیرعادی اسکناس و سکه در جریان د سرعت گردش پول می باشد . نتایج حاصل از کاربرد این روش در مورد تولید ناخالص داخلی آمریکا بیش از نتایج روشهای دیگر بوده و برای سال ۱۹۸۲ به ۱۵ درصد می رسد . فیک (۱) تحول دیگری را در زمینه برآورد سهم اقتصاد پنهان بوجود آورد آن عبارت بود از ارزیابی سرعت گردش پول در اقتصاد پنهان به میزان $\frac{1}{10}$ بیش از اقتصاد آشکار . نتایج حاصله برای سال ۱۹۸۲ به رقمی بالاتر یعنی ۲۶ درصد بالغ شد .

تانزی (۲) در سال ۱۹۸۳ روشی ابداع نمود که اقتصاد پنهان را به انگیزه های فرار از مالیات مربوط می ساخت . او فرض نمود که تقاضا برای اسکناس و مسکوک ، با کاهش درآمد سرانه از محل اقتصاد آشکار و کاهش نرخ بهره سپرده ها ، افزایش می یابد و الا با افزایش مالیات و سهم مزد و حقوق از درآمد ملی ، کاهش پیدا می کند . حجم اسکناس و مسکوک از د فروش محاسبه می گردد . یک روش در برگیرنده کلیه متغیرهای مشاهده شده است در حالی که در روش دیگر نسبت مالیات بردآمد برابر صرفه فرض می شود . تفاوت بین نتایج حاصل از د فروش ، نشان دهنده سهم پول اضافی ایجاد شده ناشی از سخت تر نمودن سیستم مالیاتی است و حاصل آن ضریب سرعت گردش پول اقتصاد آشکار ، تخمینی از دامنه و وسعت اقتصاد پنهان را نشان می دهد . وی نوع دیگری از متغیر مالیات را نیز مطرح نمود . نتایج حاصله نشان داد که تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۸۰ آمریکا چیزی حدود $\frac{4}{4}$ الی $\frac{6}{1}$ درصد کمتر از واقعیت تخمین زده شده است .

همیشه در چارچوب روشهای پولی ، و روش داد و ستد فیک یک نسبت ثابت میان کل مبادلات پولی و تولید ناخالص ملی (۳) (جمع آشکار و پنهان) وجود دارد . پس از انجام تغییرات کوچکی در

۱- Feige

۳- GNP

۲- Tanzi

مبادلات پولی و تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۳۹ (با فرض آنکه در آن سال اقتصاد پنهان فعال نبوده است) فیکد نسبت مذکور برای سالهای بعد محاسبه نمود ویس از گسراز کل مبادلات، حجم مبادلات پولی مربوط به اقتصاد پنهان را بدست آورد -

۷ - مدل متغیر لانتنت (۱) : فسری و پومرهسن (۲) حامی این نظریه هستند که تعداد

محدودی متغیر قابل رویت بر حجم اقتصاد پنهان اثر دارد که خود آنها نیز ممکن است قابل اندازه گیری مستقیم نباشند. متغیرهایی که تجزیه و تحلیل آماری نشان می دهد با حجم اقتصاد پنهان همبستگی معنی داری دارند از قبیل بار مالیاتی، سنگینی مقررات اقتصادی، فساد اخلاقی در امور مالی، نرخ اشتغال به کارمردان، مدت ساعت کار و رشد تولید ناخالص داخلی می باشد. با آنکه کاربرد این روش نشان دهنده اهمیت نسبی اقتصاد پنهان در کشورهای مختلف است ولی محاسبه مقدار واقعی آن دشوار است. برای انجام این محاسبه نیز باید در تاریخ اقتصادی کشورها به عقب رفت تا جایی که شواهد نشان دهد اقتصاد پنهان وجود نداشته است. ولی هلبرگر و نیپل (۳) در سال ۱۹۸۸ به چنین روشی اعتراض نموده و اظهار داشتند که این روش به جای اندازه گیری اقتصاد پنهان، میزان رفاه (۴) را محاسبه می کند (یعنی حالتی را که نبازی به درگیری در اقتصاد پنهان وجود ندارد).

۸ - مطالعه در مورد "حساسیت نسبت به درآمد کتمان شده" (۵) : هدف این روش،

شناخت و ارزیابی بخشهایی است که اقتصاد غیر رسمی، خود را در آن نشان می دهد. مطالعه ای که

۱ - The Model of the Latent Variable

۴ - Welfare State

۲ - Frey and Pommerhne

۵ - Sensitivity to Concealed

۳ - Helberger and Knepel

Income

در مورد حساسیت نسبت به درآمد پنهان در سال ۱۹۸۵ در ایتالیا توسط ری (۱) صورت گرفت نشان داد که نرخ کم گوئی در تولید ناخالص داخلی مشاغل مختلف بین ۶ تا ۲۴ درصد است - در این روش، تجزیه و تحلیل حساسیت بر این پایه استوار است که اقلام اولیه تولید ناخالص داخلی بر حسب درجه صحت ارقام آماری ونحوه ساختار بنیادی موسسه مورد بررسی، طبقه بندی می شود - در اول عبارت است از درآمد وهزینه بخش عمومی، بانکها وشرکتهای دولتی که اطلاعات وارقسام آنها کامل ومستقیم اخذ می گردد - در رده پائین، آمارهای تخمینی موسسات کوچک بخش خصوصی قرار می گیرند - این نوع بررسیها از این نظر مفید هستند که برآوردی غیر مستقیم از خطر کم گوئی کلی که شاید همیشه هم مترادف با خطر پنهان کردن درآمد ها، نیستند، بدست می دهند -

۹ - تجزیه و تحلیل مشارکت ملی نیروی کار :

آخرین نماگری که نیاز به توجه دارد، بر اساس مقایسه نرخ مشارکت نیروی کار در کشورهای مختلف است - این روش با استفاده از فرضیه های دیگر و همچنین تفاوت نرخهای رسمی ونرخهای حاصل از تحقیقات بخش خصوصی، تقویت می شود - نتایج این بررسی، لافل در مورد ایتالیا بیش از نتایج سایر بررسیها بوده و بین ۱۰ تا ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی است - این روش متکی بر فرضیه شامل: اینکه نرخ مشارکت در کار فقط تحت تاثیر کار غیر رسمی است، اینکه بجز مشاغل غیر رسمی فعالیت پنهان به شکل دیگری وجود ندارد، و اینکه کشورهای مورد مقایسه دارای اقتصاد پنهان نیستند، می باشد -

۱۰ - روشهای ترکیبی :

این گروه از بررسیها شامل روشهای مختلفی است که معروفترین آن به " قضاوت عقلانی " (۲) محقق موسوم است که در ایتالیا متداول بوده و تولید ناخالص داخلی را

به مقد ارقابل ملاحظه ای تعد بل می نماید . باارزیابی مجد د میزان اشتغال ومیزان بهره وری در موسسات کوچک ، ویابامحاسبه مجد دمیزان د رآمد سرمایه ومعیارهای دیگر ، اقتصاد پنهان ایتالیا در سال ۱۹۸۵ بین ۱۴ تا ۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی برآورد شده است . د رسال ۱۹۸۵ د راتریش فعالیتهای پنهان مزد وحقوق بگیران وکارکنان مستقل توسط فرانسسی (۱) بطورمجزا برآورد شد . وی تفاوت د رآمد کارکنان مستقل وکسانی راکه د رشته های مشابه کارگرد اشتند ، محاسبه نمود ، و د رمورد مزد وحقوق بگیران ، میزان اضافه کاروکارمترفرقه (غیرازشغل اصلی) رامورد بررسی قرارداد . ریچی (۲) د رسال ۱۹۸۹ روشهای دیگری ابداع نمود که متکی برفرض وجود ارتباط کلیدی میان یک سری عملیات اقتصاد ی ، نظیرارتباط میان صادرات وتولید ، یارتباط داد هانرزی ویازده بود وبه این ترتیب میزان کم گوئی د رتولیدناخالص داخلی رامعادل ۱۱۵الی ۱۷/۷ درصد برآورد نمود . پاتریجی (۳) معتقد است که تفاوت نتایج حاصله وترس ازاینکه استفاده ه ازاین روشها بخشی از اقتصاد جزائی راهم د برمی گیرد ، باعث شده که هیچگونه توجیبهی برای کاربرد روشهای مختلف وترجیح آنها به روشهای رسمی محاسبه تولید ناخالص داخلی ارائه نشود .

۱۱ - روشهای مورد استفاده موسسه مرکزی آمار ایتالیا :

روش کاربردی د رتجدید نظر

جامع حسابهای ملی ایتالیا د رسال ۱۹۸۷ ، ترکیبی هنرمندانه از روشهای مختلف بود . باتوجه به مطالعه عملی فعالیتهای پنهان (جدول ۲) ، موسسه آمار سعی نمود تخمینی از حجم کل نیروی کار (رسمی وغیررسمی) موجود د رتولیدناخالص داخلی رابدست آورد . موسسه براین باور بود که آمار کار رسمی د رتمام منابع آماری وجود دارد ولی آمار فعالیتهای غیررسمی د ربرخی از منابع وجود دارد و

۱ - Frany

۲ - Petrigi

۳ - Ricci

باید بدنبالش گشت .

تطبيق آمار سرشماریها و آمار حاصل از بررسيهای نمونه ای نیروی کار، جالبترین کارموسسه در جریان تجدید نظر حسابهای ملی بود . در کلیه بخشها بجز کشاورزی ، این مقایسه امکان داد که مقدار اشتغال بخشهای مختلف اندازه گیری شود . برای تخمین همگن بودن بررسيهای مختلف جهت مقایسه ، نخست تعدیلاتی صورت گرفت . آمار سرشماری جمعیت، بر حسب ناحیه، و منطقه ای که شاغل کاری کرد ، مجدداً توزیع شد . این توزیع مجدداً باعث شد که هم قابلیت مقایسه سرشماری صنعتی بهبود یابد و هم ایتالیا شباهتی که بطور موقت در خارج از کشور کاری کردند، حذف شوند . جهت بهبود قابلیت مقایسه از نظر فعالیتهای اقتصادی ، آمار سرشماری جمعیت که بر حسب نواحی توزیع شده بود ، مجدداً بر حسب خوشه های تولید ، طبقه بندی شد تا فعالیتهای مشابه اقتصادی بایکدیگر مقایسه گردند (مانند صنایع فلزی ، ساخت ماشین آلات صنعتی و کارخانه) . این کار برای تعدیل خطای گذاری فعالیتهای اقتصادی کسانی که خود ، فعالیت اقتصادی پنهان خویش را در سرشماری ابراز کرده بودند ، بسیار موثر بود .

دامنه فعالیت در چارچوب هر یک از ۲۰ ناحیه کشور سه نوع اشتغال (مزد و حقوق بگیر ، دستیار ، و افرادی که برای خود کاری کنند) ، از ۶۷۵ طبقه فعالیت اقتصادی اولیه به ۵۶ گروه که متعادل خوشه های تولیدات صنعتی بود ، محدود شد . در تعدادی از نواحی و در مورد برخی فعالیتهای ، اطلاعات خوشه ای تعدادی از صنایع که بطور همزمان از بررسی نمونه ای نیروی کار ، بدست آمده بود ، بیش از نتایج مشابه بدست آمده از سرشماری جمعیت بود . در چنین مواردی اگر درجه اطمینان نتایج کمتر از ۹۵٪ می بود ، نتایج نمونه ای نیروی کار ، جانشین نتایج سرشماری می گردید . گذشته از جنبه نمونه گیری بررسی نیروی کار ، نتایج حاصل از این بررسی در مورد

کسانیکه برای خود کاری کردند، بهتر از نتایج سرشماری بود و این برتری، مدیون اجرای نقشش آمارگیران بررسی نمونه ای بود.

پس از آنکه منابع آماری، همگن گردید، قدم بعدی عبارت بود از مقایسه دوسری اطلاعات ناحیه ای (ناشی از دو بررسی) بترتیب ذیل: در حالت تساوی نتایج حاصل از سرشماری جمعیت و سرشماری اقتصادی، بخش مربوط به کارکنانی که فعالیت اصلی آنها بطور رسمی و در واحدهای آشکار بود، کنار گذاشته می شد. در حالت فزونی نتایج سرشماری جمعیت، فرض بر این بود که این تفاوت مربوط می شود به کارکنان فعال در خارج از ساختار فعالیت آشکار، چه در منزل، و چه در موسسات غیر رسمی (موسساتی که به ثبت نرسیده اند). بالاخره، در مورد فزونی نتایج سرشماری اقتصادی، فرض بر این بود که اختلاف ناشی از کارکنانی است که دارای دوشغل هستند. در واقع، در حالیکه سرشماری صنعتی و خدماتی، تعداد صاحب کارها را مشخص می کند، گذشته از سابقه تاریخی کار خود کارگرا، در سرشماری جمعیت، فقط شغل (فعالیت) اصلی مردم سوال می شود. بنابراین، احتمال دارد کسانیکه در یک شیفت در یک موسسه کاری کنند، در شیفت دیگر در موسسه دیگری به فعالیت مشغول باشند. بالاخره، در محتوای خاص این مقایسه ها از طریق تطبیق آمارها، جریان بررسی نمونه ای نیروی کار کمک به شناسایی گروهی از افراد نمود که با وجود آنکه اظهار نموده بودند شاغل نیستند، در طول مصاحبه تصدیق کردند که چند ساعتی کاری کنند. این همان گروه از افرادی هستند که کارکنان اتفاقی یا پنهانی (۱) نامیده می شوند. سرشماری مزارع و باغات نشان داد که بخش کشاورزی فاقد افرادی است که دارای شغل دوم می باشند.

بررسیهای مستقیم تقاضا برای کالاها و خدمات که در مورد اقتصاد پنهان صورت گرفت راه را برای یافتن باقیمانده نیروی کار شاغل در فعالیتهای پنهان باز نمود. بخصوص تمایل پاسخگویان به همکاری در مورد تمایزگذاشتن بین بازار آشکار و پنهان (سیاه)، به این امر کمک بسیار موثری نمود.

کاربرد زیاد آمار حمل و نقل کمک نمود که تعداد رانندگان تاکسی و اتوبوس را تخمین زنییم و ببینیم که این آمار بیش از آمار سرشماری است. حتی برخی آمارهای مالیاتی در مورد فروشندگان دوره گرد و سایر بخشهای خدماتی، بیش از نتایج سرشماری بود، زیرا این افراد جهت دست یابی به تخفیفهای مالیاتی و کسر کردن هزینه ها از درآمد (طبق قانون مالیات بر ارزش افزوده)، خود را بهتر به مأمورین مالیاتی نشان می دادند. بررسیهای بعمل آمده توسط دانشگاهها و وزارت کشور و وزارت کار در مورد کار غیرمجاز مهاجرین نیز نشان دهنده این امر بود که تعداد آنها بیش از نتایج سرشماری می باشد.

کاربرد این روشها، منتج به شناسائی ۲۸ میلیون شغل دارای اهمیت و مدت متفاوتی که معادل ۲۲ میلیون شغل تمام وقت بود، گردید. روشهای مورد استفاده این امکان را هم بوجود آورد که درآمد موسسات کوچک و سود سرمایه از قلم افتاده هم محاسبه گردد.

ارزیابی و تعیین حدود سهم روشهای جدید در محاسبه اقتصاد پنهان، در چارچوب معیار تولید ناخالص داخلی آسان است. در سال ۱۹۸۲، یعنی سالی که طبق روش جدید، تولید ناخالص داخلی معادل ۱۵/۹ درصد رشد نشان می داد، ۴/۶ درصد رشد مذکور ناشی از مشاغل غیررسمی بود. سهم کم گوئی درآمد ها و سود سرمایه های از قلم افتاده هم ۲/۶ درصد رشد را می پوشاند که رویهم ۷/۲ درصد می گردد. ۲/۰ درصد دیگر هم از تطبیق اقلام حاصل از سرشماری و بررسی نمونه ای نیروی

کار، بدست آمد. بطورکلی اعتقاد براین است که سهم درآمد های پنهان نمی تواند بیش از ۸ درصد باشد و بقیه رشد مربوط به بهبود کیفیت آمارد و فراگیری بیشتر منابع است.

شکی نیست که سهم اقتصاد غیررسمی در تولید ناخالص داخلی ایتالیا زیاد است، روش مقایسه آمار حسابهای ملی و آمارهای مالیاتی که قبلا ذکر شد، دامنه و وسعت اقتصاد غیررسمی را نشان می دهد و چیزی حد و ۲۵ - ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی می باشد.

ه - نتیجه گیری و پیشنهادات :

در پایان چند نتیجه گرفته می شود. بخش اعظم اقتصاد پنهان در واقعیت جنبه قانونی دارد و در نتیجه، از نظر آماری قابل ارزیابی است. بهتراست آنرا در قالب تولید مشخص شده توسط حسابهای ملی برآورد نمود تا با اقتصاد جزائی یا اقتصاد غیررسمی مخلوط نشود (اقتصاد غیر رسمی شامل کارهای انجام شده توسط شخص برای خودش، تولید مواد غذایی برای خود و...) .

فعالیتهایی که به تولید ناخالص داخلی ختم می شود، می تواند آشکار یا پنهان باشد. در برخی از بخشها و در سطح برخی از مشاغل، در برخی اوقات، کارکنان برای بهبود وضع درآمد خود ممکن است یکی از مقررات کار موجود را نادیده بگیرند (نظیر کارت اشتغال، ثبت نام برای تامین اجتماعی، جواز کسب، ثبت در اتاق بازرگانی، عدم ارائه اظهارنامه مالیاتی و غیره) - چنین اشخاصی پنهانی عمل نموده و سعی در فرار از دست مقامات دولتی دارند. ولی آنها که مقررات را درست اجرا می کنند، بطور علنی فعالیت کرده و اقتصاد آشکار را بوجود می آورند که مطالعه و ارزیابی آن آسانتر است.

این تمایز بدین معنی نیست که اقتصاد پنهان از بررسیهای آماری فراموشی کند. موسسه آمار ایتالیا از طریق سرشماری، بررسیهای نمونه ای جانبی (غیر مستقیم)، و بررسیهای نمونه ای مستقیم، بدون توجه به روابط واحد مورد بررسی با مقامات مالیاتی و مقررات تامین اجتماعی، سعی در ارزیابی

آمار کلیه فعالیتها آرد . واقعیت هم این است که موسسه آمار همیشه سعی دارد که برای اندازه گیری تولید ناخالص داخلی از منابع آماری مربوط به مالیات ، استفاده ننماید . اگر خطای تولید ناخالص داخلی را بعنوان نماگر میزان سهم اقتصاد پنهان در نظر آوریم ، مارا گمراه می کند زیرا نه فقط خطا می تواند ناشی از عدم دقت تخمینها باشد ، بلکه بطور عادی تولید ناخالص داخلی بخشی از اقتصاد پنهان را شامل می شود .

بنابراین ، بسیاری از روشهای غیر مستقیم پیشنهادی اقتصاد دانان و جامعه شناسان برای تخمین کلیه فعالیتها و میادلات اقتصادی ، از طریق محاسبه تفاضل یا باقیمانده تولید ناخالص داخلی ، بواسطه نکات مذکور در پاراگراف قبل ، ودلیل دیگر مردود است .

روش بررسی مستقیم که در سالهای اخیر توسط آمارشناسان تعدادی از کشورهای پیشنهاد شده است ، درخور توجه بیشتری است . بخصوص بررسی مصرف کنندگان کالاها و خدمات از نظر نحوه یا منبع خرید کالا یا خدمت (رسمی و غیر رسمی) دارای توفیق بیشتری بوده است . در جوامع غربی دیده شده است که ارزیابی میزان فعالیتهای غیر رسمی و شب کاری ، کسب و کاربرد و جواز ، از طریق مصرف کنندگان آنها با هیچگونه مقاومتی مواجه نبوده و آمار بخش غیر رسمی را بخوبی ارائه داده است . بعکس ، بیشترین مشکلات ، در ارزیابی اقتصاد رسمی ناشی از مراجعه به عرضه کنندگان بوده است . جهت فرار از این مشکلات ، نوعی بررسی که همان بررسی نحوه استفاده از وقت است نیز مورد استفاده می باشد (بخصوص در هلند) و در این بررسی نه فقط وقت تفریح و فراغت سوال می شود ، بلکه کلیه فعالیتها هم که استفاده اقتصادی دارد ، مورد سوال قرار می گیرد . این روش بررسی که توسط نظریه پکر (۱) تقویت می شود ، سهم اقتصاد پنهان را در کل اقتصاد ، مشخص می کند و

همه روزه توجه بیشتری را بخود معطوف می نماید . روشهای بررسی مستقیم علاوه بر ارزیابی های کلان ، برای کسب اطلاعات در سطح خرد و تجزیه و تحلیل جریان تولید و مطالعه تمام جنبه های بازارکار ، مناسب می باشد .